

یادداشت میهمان؛

زوایای پنهان طلاق

یادداشت#۴۷؛ صاحب نظران علوم تربیتی معتقدند هر مکتب تربیتی که بخواهد الگوی موفق از زیست اجتماعی را ارائه دهد باید چارچوب‌های خود را بر اساس نیازهای طبیعی انسان بنا نهاده و برای هر کدام از این نیازها برنامه ای مدون و قابل اجرا تعریف کند. <br#۴۷><br#۴۷>

سایت خبری پرسون - آمارهای رسمی در کشور ما گویای روند رو به رشد طلاق در سال‌های اخیر است، این موضوع از حجم بالای مراجعان دادگاه خانواده و افزایش شعبات محاکم در کلان شهرها به خوبی ملموس است. کمتر از دو دهه پیش یعنی در دهه هفتاد آمار طلاق در ایران ۱۶ به ۱ بود یعنی از هر ۱۶ واقعه ازدواج یک مورد آن منجر به طلاق می شد، اما این آمار در حال حاضر ۳ به ۱ است.

نسبت فوق حاصل مواردی است که زوجین برای مفارقت از زندگی مشترک اقدام نموده و طلاق را به عنوان یک واقعه حقوقی در دفاتر اسناد رسمی ثبت نموده‌اند حال آن که موارد زیادی وجود دارد که زن و شوهر در زیر یک سقف با هم زندگی می کنند اما رفتاری که بایسته زندگی مشترک است نداشته و دچار طلاق عاطفی شده‌اند.

روی هم رفته آمارهای فوق حکایت از بحران عمیقی دارد که جامعه ایرانی با آن مواجه بوده و کانون خانواده را به عنوان یکی از نهادهای زیست اجتماعی در معرض آسیب جدی قرار داده است.

در خصوص چرایی این موضوع دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است، عده‌ای این معضل را به افزایش شکاف طبقاتی و شیوع گسترده فقر و بیکاری در سالهای اخیر نسبت می دهند، هر چند در تحلیل این معضل، پدیده فقر و مشکلات معیشتی در میان نسل جوان را نمی‌توان نادیده گرفت اما گسترش آمار طلاق در میان قشر برخوردار جامعه این واقعیت را مکشوف می‌کند که ریشه‌های فروپاشی کانون خانواده در جامعه امروز ایران، زوایای پنهان دیگری هم دارد که کمتر از سوی صاحب‌نظران مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

صاحب نظران علوم تربیتی معتقدند هر مکتب تربیتی که بخواهد الگوی موفق از زیست اجتماعی را ارائه دهد باید چارچوب‌های خود را بر اساس نیازهای طبیعی انسان بنا نهاده و برای هر کدام از این نیازها برنامه ای مدون و قابل اجرا تعریف کند.

یکی از نیازهای غریزی و اساسی بشر، نیاز به جنس مخالف است که بی توجهی به آن عوارض پیچیده و خطرناکی را در زندگی اجتماعی انسان ها به بار می‌آورد. ساده سازی روابط زن و مرد و تجویز ازدواج برای حل این نیاز بدون فهم واقعیت‌های روانی و پیچیده آن خشت کجی است که دیر یا زود استحکام بنیان خانواده را بر باد خواهد داد.

در جامعه امروز ایران نیاز جنسی، غریزه‌ای پیش پا افتاده در عرض سایر غرائز انسانی نیست. نیاز جنسی لولو خورخوره ای است که همواره نوجوانان را از نزدیک شدن به آن ترسانده اند، خوانش فوق‌العاده این نیاز در وجود انسان، سبب گردیده تصویر نوجوان از جنس مخالف نه تنها واقعی نبوده بلکه رویاگونه و خیال پردازانه باشد. او در ما فی الضمیر خود تصویری رویایی و فانتزی از جنس مخالف داشته که با واقعیت های پس از ازدواج همخوانی ندارد. واقعیت آن است که بخش عمده‌ای از ناسازگاری‌های زوجین پس از شروع زندگی مشترک ریشه در همین موضوع دارد.

فیلم سینمایی «کشتی تایتانیک» ساخته جیمز کامرون به عنوان یکی از پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای جهان، سعی کرد این مشکل بزرگ بشر را از همین زاویه به تصویر بکشد. پشت پا زدن به میثاق ازدواج و تشکیل خانواده از سوی دختری جوان و ثروتمند با دل بستن به پسری فقیر و نقاش و هم آغوشی با وی حاوی این پیام بود که در آغاز هزاره سوم اگر روابط با جنس مخالف به صورت واقعی مورد توجه قرار نگیرد انسان ناگزیر خواهد بود مفهوم عشق را خارج از کانون خانواده جستجو کند.

نویسنده: اردشیر محمدی - فعال رسانه ای